

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. مبارزات کشور ما عقیدتی است و جهاد در راه عقیده، شکست ناپذیر است. (۵۹/۱۱/۲۲)
۲. واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه ها حاضر و آماده باشند. (۶۷/۴/۲۶)
۳. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است. (۶۷/۴/۲۹)
۴. ما شهادت را یک فوز عظیم می دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ هستیم. (۵۹/۷/۱۷)
۵. اگر مردم نبودند نمی توانستید این جنگ را اداره بکنید، این شک ندارد. مردم اداره کردند. (۶۲/۶/۷)
۶. من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوند، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوند، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم. (۶۷/۴/۲۹)

۷. فرزند عزیزم، نامه شما که از سلامت مزاجتان بحمدالله خبر داد، واصل شد و موجب خرسندی از این جهت، و افسردگی از جهات دیگر شد. عزیزم ما سلامت هستیم و به شما و سایر دوستان دربند دعا می کنم. شما نگران نباش. این نحو گرفتاریها برای دوستان خدا همیشه بوده و موجب بلندی مقام و رحمت خدا هست. امیدوارم بزودی همگی با سلامت به وطن خود باز گردید. به دوستانتان سلام مرا برسانید. خداوند به شماها صبر و اجر عنایت کند. (۱۳۶۶)

۸. بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. (۶۷/۹/۲)

۹. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. (۶۷/۹/۲)

۱۰. زحمات بی وقفه جهاد، این سنگر سازان بی سنگر، در دفاع مقدس از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی گنجد. عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است. شجاعت دلیر مردان و شیرزنان جهادیمان در جهاد مان علیه کفر و بیداد زبانزد خاص و عام است. وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد، جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این مرز و بوم را فراگرفته است. جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است. فرزندان عزیز جهادی ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه های اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهانخوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی بهره بوده اند؛ و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنزند. (۶۷/۹/۱۴)

۱۱. اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم. (۶۱/۱/۲)

۱۲. بسیجیهای ما و امت ما شرافت دارند بر تمام کاخ نشینهای عالم و همه کسانی که ادعای پوچ خودشان را می کنند و گمان می کنند که باید عالم پیش آنها خاضع باشد. (۶۵/۸/۲۹)

۱۳. مفتخریم که مادران دلیری که عزیز از دست داده اند و پدران عزیزی که جوانانشان شهید شده اند آنچنان با ما برخورد می کنند که گویی عروسی عزیزان و جوانانشان را جشن می گیرند. و اینجانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می کنم یا وصیتنامه انسان ساز شهیدی را می بینم احساس حقارت و زبونی می کنم. اینان سند ایمان و تعهدشان را به اسلام در دست دارند، و قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان، زبان گویایی است که به عظمت روح جاوید آنان شهادت می دهد، و شکایتی اگر دارند از آن است که به فیض شهادت نرسیده اند و یا در حالی که به ثواب شهادت رسیده اند، می نالند که چرا نمی توانند برای دفاع به جبهه ها برگردند، و فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» را سر می دهند. (۶۰/۱۱/۲۱)

۱۴. بارالها، شهیدان ما را، که دلباخته تو بوده اند، به جوار خود بپذیر و در صف اولیای خود قرار ده؛ و به شهدای زنده ما، که تا مرز شهادت پیش رفتند و سلامت خود را در راه دفاع از اسلام و بندگان مظلوم تو از دست داده اند، اجر شهدای صدر اسلام را عنایت فرما، و سلامتشان را به آنها بازگردان. خداوندا، تمام مفقودین عزیز ما را هرچه زودتر به دامن پرمهر و عطوفت این ملت و خانواده های عزیزشان برگردان. بارالها، اسرای ما اسیر جانیتین دژخیم زمان می باشند، مقاومت آنها دنیا را شگفتزده کرده است، هرچه زودتر آنها را برای خدمت به تو و بندگان آزاد فرما؛ و به خاندان محترم همه صبر و اجر و سلامت و مغفرت عنایت فرما؛ و به ملت شریف و بزرگوار ایران سعادت و سلامت و برکت مرحمت کن؛ و به رزمندگان عزیز پیروزی نهایی را به اسرع وقت عطا فرما؛ و به همه ما قصد خالص لطف کن، و از شرّ شیطان و نفس اماره نجات ده. و صلوات و سلام بی پایان خداوند بر انبیای عظام، خصوصاً اشرفهم و خاتمهم، و بر اولیای عظام، سیما ولیّ عصر و امام زمان، ارواحنا لمقدمه الفداء، باد. (۶۲/۱۱/۲۲)

۱۵. ما را چه رسد که با این قلمهای شکسته و بیانهای نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده اند مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم. زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای اعلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نموده اند. (۶۳/۶/۵)

۱۶. حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود!... من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. (۶۷/۹/۲)

۱۷. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده اند. (۶۷/۹/۲)

۱۸. با کدام قلم و بیان می توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند ثنا کرد. گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق العاده آنها را در زیر آتش مسلسلها و توپها و تانکها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزیهای هنرمندان آنان را در آن شبهای تاریک در مقابل موشکها و بمب افکنهای دشمن غدار و عبور از پیچ و خمهای سیمهای خاردار و کوههای سر به فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند؛ لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربّانی، که جانها را به سوی خود پرواز می دهد، و آن قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می توان ترسیم کرد. ... در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش، در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید؛ جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان، که فرزندان این دیار به نور آنان استضاءه [روشن کردن، روشنی خواستن] کرده و از خود رسته اند. (۶۲/۱۱/۲۲)

۱۹. قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمانهای اسلامی و پیروزیهای عظیم در تمام جبهه ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلام و اولیای خدا، علیهم الصلوٰه والسلام، شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاء الله در سبقت در دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی شناسند و تنها سرمایه بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می کنند که انبیا و اولیای بزرگ خدا، همچون سید مظلومان و سرور فداکاران، نمودند و ندای **هَيِّهَات مِّنَ الدِّلَّةِ** آن بزرگمرد تاریخ را با قول و عمل خود در سراسر کشور بلکه جهان سر می دهند، می توان تجلیل نمود. و با کدام قلم و بیان می توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند ثنا کرد. گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق العاده آنها را در زیر آتش مسلسلها و توپها و تانکها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزیهای هنرمندان آنان را در آن شبهای تاریک در مقابل موشکها و بمب افکنهای دشمن غدار و عبور از پیچ و خمهای سیمهای خاردار و کوههای سر به فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند؛ لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربّانی، که جانها را به سوی خود پرواز می دهد، و آن قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می توان ترسیم کرد. راستی این غریبان و شرقیان و غربزدگان و شرقزدگان و ملی گرایان این فداکارها را با این بعد معنوی و روح عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست؛ انگیزه و روح و جهت لدی الربّی آن مطرح است. عشق به محبوب

حقیقی، که همه چیز را محو می کند و هر انگیزه ای غیر از عشق به او را می سوزاند، مطرح است. در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش، در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید؛ جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان، که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته اند. و در کجا، در لابلای تاریخ، چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیشقدم می شوند. این مکتب قرآن و اسلام راستین است؛ و اینان فرزندان این قرآن و این مکتب و آن صاحب مکتبمان . سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالی مقام. و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد.(۶۲/۱۱/۲۲)

۲۰. من با این قلم شکسته و این چشم بسته در حق این ملت و این عزمش و این سلحشوران و این رزمش چه می توانم بگویم؟! پس بهتر آن است که قلم بشکنم و دم فرو بندم و اجر و مزد رزمندگان و وابستگان به آنان و آسیب دیدگان و دلبستگان آنان را از خدای بزرگ بخواهم.(۶۴/۱۲/۳)

۲۱. آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.(۶۷/۴/۲۹)

۲۲. من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا

رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفته‌ها داشته باشیم. ان شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.(۶۷/۴/۲۹)

۲۳. تاریخ اسلام جز یک برهه از صدر اسلام، جوانانی مثل جوانهای ایران ما سراغ ندارد. و ملتی مثل ملت ایران در تاریخ ثبت نشده است. شما در کجای تاریخ - جز یک برهه در صدر اسلام آن هم نه به طور وسیع بلکه به طور محدود - سراغ دارید که جوانان یک کشور این طور عاشق جنگ باشند؟ این طور عاشق دفاع از کشور خودشان باشند؟ و این طور ملت، همه با هم یکصدا دنبال پیروزی ارتش و سپاه پاسداران و سایر قوای مسلحه باشند؟ و کجا دیدید که عاشقانه دنبال شهادت باشند؟ من به این چهره های نورانی و بشاش شما، و به این گریه های شوق شما حسرت می برم. من احساس حقارت می کنم. من وقتی با این چهره ها مواجه می شوم. و این قلبهائی که به واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره ها اثر گذاشته است، احساس حقارت می کنم. من غیر از دعا که بدرقه شما کنم چیزی ندارم... من چطور به این احساسات خداگونه و به این توجهاتی که شما به خدای تبارک و تعالی دارید، و به این عزم راسخ شما و این شجاعت بینظیر شما، چطور من می توانم از شما ستایش کنم؟ عزیزان من! شما در بارگاه حق تعالی منزلت دارید.(۵۹/۹/۱۵)

۲۴. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟(۶۷/۱۲/۳)

۲۵. فرزند بسیار عزیزم، از نامه دلسوزانه شما بسیار متأثر گردیدم. من ناراحتی شما عزیزان دریند را احساس می کنم. شما هم ناراحتی پدرتان را که فرزندان عزیزش دور از وطن هستند احساس کنید. عزیزان من سید و مولای همه ما، حضرت موسی بن جعفر(ع)، بیش از همه شماها و ماها در رنج و گوشه زندان به سر بردند. برای اسلام عزیز شما صبر کنید. خداوند فرج را ان شاءالله تعالی نزدیک می نماید؛ و پدر پیر شما را با دیدن شما شاد می فرماید. به همه عزیزان دریند سلام مرا برسانید. من از دعای خیر فراموشتان نمی کنم. خداوند حافظ شما باشد.(شهریور ۱۳۶۵)

۲۶. بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می باشد،

برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم. (۴۲/۱/۲)

۲۷. شما که برای اسلام بپاخاسته اید و جان و مال نثار می کنید، در صف شهدای کربلا هستید؛ چرا که پیرو مکتب آنانید. (۵۷/۸/۴)

۲۸. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. (۶۷/۹/۲)

۲۹. اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. (۶۷/۹/۲)

۳۰. شهادت برای ما فیض عظیمی است و جوانهای ما شهادت را آرزو دارند؛ و ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است. و شما ملت پیروزید ان شاء الله. (۵۸/۶/۲۱)

۳۱. وصیتنامه های جوانها را شما دیده اید که چیست؟ این وصیتنامه ها اینها، انسان را می لرزاند، انسان را بیدار می کند. (۶۰/۱۱/۱۴)

۳۲. اگر قیام برای خدا باشد، اگر عمل برای خدا باشد اگر نهضت برای خدا باشد، شکست ندارد. برای اینکه آن چیزی که برای خدا هست اگر در صورت هم خیال بشود که شکست خورد، به حَسَب واقع شکست نخورده است. (۵۸/۳/۸)

۳۳

۳۴. این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با یک جهش برق آسای معنوی و روحی با دست رحمت حق تعالی از منجلابی که برای آنان با دست پلید استکبار جهانی که از آستین امثال رضاخان و محمدرضاخان و دیگر سرسپردگان غرب یا شرق تهیه دیده بودند، نجات یافته و یکسبه ره صدساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاءالله را از حد شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کردار در جبهه های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت بی سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد. اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را، که با گریه از من عقب مانده تقاضای دعا برای شهادت می کنند، مشاهده می کنم از خود مأیوس و از آنان شرمنده می شوم. (۶۱/۱۱/۲۱)

۳۵. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام! (۶۷/۴/۲۹)

۳۶. برای اسیرانی که در زندانهای مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت فریاد می کشند چگونه توان تعظم نمود؟ (۶۳/۶/۵)

۳۷. من باید تشکر کنم از این جوانهایی که، طبقات مختلفی که الآن از همه جای ایران مدتهاست به طرف جبهه ها می روند. اینها متحول شدند. اینها این دعایی که در روز عید می کنیم، در حق آنها به یک مقدار زیادی مستجاب شده است. آنها وضع روحی شان یک وضع روحی دیگری است، غیر از آنی است که ما داریم. آنها به میدان جنگ می روند، به میدان قتال می روند، به آغوش مرگ می روند با آن روی گشاده، با آن قلب قوی. انسان وقتی هریک از اینها را می بیند، می بیند که با ما فرق دارند. ما از خدا می خواهیم که ما را هم نظیر آنها متحول کند. ما از آنها باید تشکر کنیم. (۶۵/۱/۱)

۳۸. من هر وقت که چهره اینهایی که دارند رو به جبهه ها می روند ملاحظه می کنم واقعاً از خودم خجالت می کشم که اینها به چه مقامی رسیده اند، به چه پایه ای از عرفان، چه پایه ای از معرفت رسیده اند که اینطور با هیجان، اینطور برای خدا رو به جبهه ها می روند. (۶۵/۸/۱۸)

۳۹. الحمدلله این کشور رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنهای و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین - صلی الله علیه و آله و سلم - می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست. (۶۶/۵/۶)

۴۰. همچو روحیه ای امروز من در بین ملتمان می بینم. یک دفعه و دو دفعه نبوده است، از نجف تا اینجا، مواجه شدم من با جوانهای زیبا، جوانهایی که اول جوانی شان است، و اینها یکی شان آمد در نجف آمد جلو من نشست بنا کرد قسم دادن من

را، که شما [را] [قسَم می دهم]، قَسَم داد که من شهید بشوم. بعد هم که ما در اینجا آمدیم، زن این تقاضا را کرده؛ جوانها این تقاضا را کرده اند. زنی که بچه هایش را از دست داده است باز می گوید که من یکی - دو تا دارم این را هم می دهم. این روحیه، روحیه ای است که اطمینان برای ما می آورد. این بر همه تانکهای عالم مُقَدَّم است؛ یعنی پیروز می شود. این روحیه، روحیه ای است که خدای تبارک و تعالی انعام کرده است، مرحمت کرده است، این مرحمت الهی را حفظ کنید، این امانت است. این را کوشش کنید محفوظ بماند. و مادامی که این روحیه الهی، این هدیه الهی، در بین شماها هست، از هیچ نترسید. (۵۸/۶/۲۶)

۴۱. از ما دائماً این مطلب را حتی حالا می خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. آخر کسی دلش می خواست شهید بشود برای شکم؟! کسی جوانش شهید بشود برای اینکه یک خانه خوبی داشته باشد؟! یا مسأله این نیست. مسأله یک عالم دیگری است. شهادت برای یک عالم دیگری. آن شهادتی که همه اولیای خدا، همه انبیا دنبالش بودند و بسیاری از اولیای ما به شهادت رسیدند، آن معنا را می خواستند. مردم دنبال آن معنا هستند. (۵۸/۹/۲۱)

۴۲. خوزستان دین خودش را به اسلام ادا کرد. خوزستان برای اسلام و برای ارزشهای انسانی و برای شرافت خود و کشور خود کوشش کرد و کوشش می کند و مردانه ایستاده است و شهدای بزرگوار خود را نزد خدای تبارک و تعالی فرستاد. خوزستان در این عرصه تهاجم باطل به حق و دفاع حق و در برابر باطل پیشقدم است و اسوه است از برای سایر اهالی کشور. غرب و جنوب اسوه هستند از برای سایر کشور. ... شما اهالی غرب و جنوب خوزستان و سایر مرزهای کشور در مقابل ستمکاران و مهاجمان به اسلام ایستادگی کردید و همچون شهدای صدر اسلام شهید تقدیم کردید. از شما شهدای بسیار برای ملت باقی ماند. [شما] شرافت این ملت را بیمه کردید و خدای تبارک و تعالی از شما راضی باشد. اسلام برای شما سرفرازی قائل است و ملت پشتیبان شما و سایر رزمندگان است و شهادتهایی که حاصل شده و شهدایی که شما تقدیم کردید به اسلام شهدای همه ملت است. مصیبتها برای همه ملت است و سرفرازی برای همه ملت. ... مبارک باد بر اهالی خوزستان و بر اهالی جنوب و غرب این خدمتگزاری و این جان نثاری و این پایداری. کسانی که در آنجا رفت و آمد دارند و برای این طرفیها صحبت می کنند از روحیه عظیم بزرگ شما اهالی خوزستان و اهالی جنوب و غرب صحبتهای زیاد می کنند و شما را به این روحیه بزرگ ستایش می کنند. و من امیدوارم که ملت ایران با این روحیه بزرگی که دارد به تمام قدرتهای فاسد غلبه کند و من امید آن دارم که بزودی کشور ما از لوث این جنایتکاران پاک شود و دوستان ما در هر جا هستند به محل خودشان برگردند.

و تنفر و عیب بر دشمنان اسلام و دشمنان شما و رحمت و عزت و شرف بر شما برادران و خواهران و رحمت بر شهدای شما. (۶۰/۱/۱۳)

۴۳. ملت ما ملت خون و مکتب ما جهاد است. ... کارتر باید بداند که ملت ۳۵ میلیونی ما با مکتبی بزرگ شده اند که شهادت را سعادت و فخر می دانند و سر و جان را فدای مکتب خود می کنند. (۵۹/۲/۵)

۴۴. آخر مطلب شهادت است و وصول به لقاءالله و حضور در محضر حضرت سیدالشهدا و امثال او، و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند. و ما می بینیم در جبهه ها، برای ما نقل می کنند از جبهه ها که این جوانهای عزیز در جبهه ها شب چه حالی دارند؛ چه ذکر و فکر و دعایی دارند و نمازی و روز با چه نشاطی به جبهه ها می روند. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی، نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت عطا فرموده است. این این نعمت را حفظ کنید. (۶۱/۷/۲۵)

۴۵. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. (۶۷/۴/۲۹)

۴۶. ما می گوئیم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. (۶۷/۴/۲۹)

۴۷. اذنب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوئیم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. (۶۷/۴/۲۹)

۴۸. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. (۶۷/۴/۲۹)

۴۹. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. (۶۷/۴/۲۹)

۵۰. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. (۶۷/۴/۲۹)

۵۱. همه می دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. (۶۷/۴/۲۹)

۵۲. « امروز دیگر ما انقلاب کرده ایم، روضه دیگر لازم نیست» از غلطهایی است که تو دهنها انداخته اند؛ مثل این است که بگوییم امروز ما انقلاب کرده ایم، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم. انقلاب برای این است. (۵۹/۸/۱۴)

۵۳. انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم. (۵۹/۸/۱۴)

۵۴. زنده نگه داشتن عاشورا یک مسأله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد[ه]، یک مسأله سیاسی است؛ یک مسأله ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد. (۵۹/۸/۱۴)

۵۵. جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست، با یک دست قرآن را و با دست دیگر، سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمایید. چنان با دوستانتان رحیم باشید که از ایثار هر چه دارید نسبت به آنان کوتاهی ننمایید. (۵۹/۱/۱)

۵۶. دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. (۵۸/۱۲/۱)

۵۷. امروز هم که ما در یک موقعیتی واقع هستیم که اسلام روبه روی کفر ایستاده است و احتیاج به فداکاری دارد. (۵۸/۱۰/۱۱)

۵۸. شما در کجای دنیا می توانید جایی را مثل استان اصفهان پیدا کنید؟ همین چند روز پیش فقط در شهر اصفهان حدود سیصد و هفتاد نفر را تشییع کردند، مع ذلک، همین شهیدداده ها و داغدیده ها همچنان به خدمت خود به اسلام ادامه می دهند. امروز مردم ما فهمیده اند که تا فداکاری نباشد، اسلام را نمی شود پیش برد و می دانند که همه ما باید برای اسلام فدا شویم. (۶۱/۹/۳)

۵۹. مسأله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است. (۶۲/۱۱/۲۲)

۶۰. اگر خدای نخواست، در این جنگ امریکا پیروز بشود و صدام را پیروز بکند، اسلام یک سیلی ای می خورد که تا آخر، تا زمانهای طولانی، نمی تواند سرش را بلند کند. وقتی ما در یک همچو مقامی واقع هستیم و یک همچو تکلیفی را احراز کردیم، بر همه ما لازم است و واجب شرعی است که از اسلام دفاع کنیم. (۶۴/۱/۱۵)

۶۱. چون مقصد ما اسلام است، باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام. و همه مردم و هرکس در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و الحاد و هجوم بیگانگان. (۶۴/۱/۲۵)

۶۲. به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**. (۶۸/۳/۱۵)

۶۳. قدرت‌ها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرکت و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌ها را مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشان اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد. (۶۶/۵/۶)

۶۴. در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابرنه‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند. (۶۶/۵/۶)

۶۵. من باید تشکر کنم از این ملت، این ملت شریف خودمان و خصوصاً از این کسانی که در جبهه‌ها مشغول هستند یا پشت جبهه‌ها مشغول به این هستند که آنها را کمک کنند، ما باید تشکر کنیم از اینها و خصوصاً از این جوانهایی که همه چیزشان را در راه اسلام دادند. شما ملاحظه می‌کنید که اشخاصی می‌آیند اینجا، همه چیزشان را کانه دادند، مع ذلک می‌گویند کاش که ما یک بچه کوچکی که داریم بزرگ بشود، برود جنگ بکند، اینها حجت بر ما هست، اینها حجت بر آن اشخاصی هست که تو خانه نشستند و نق می‌زنند. (۶۷/۱/۱)

۶۶. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان شاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند. (۶۷/۴/۲۹)

۶۷. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. (۶۷/۴/۲۹)

۶۸. امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند، (۵۸/۱۲/۱)

۶۹. توجه این باشد که با قوه الهی پیش بروید. یعنی دستتان را، چشمتان را، نفستان را، همه چیزهایی که در اختیار شماست، اینها را تبدیل کنید از قوای شیطانی به قوای الهی. انسان اگر غفلت کند قوایش قوای شیطانی است. چشمش هم شیطانی است. دستش هم شیطانی است. دیگر آنطوری که هست. لکن اگر تربیت کند خودش را همه الهی می شود. همه قوای شما قوه الهی می شود و قوه الهی غلبه خواهد کرد. (۵۹/۱/۲۸)

۷۰. مردم ما باید خود را آماده این درگیری حسینی تا پیروزی کامل بنمایند، که مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است. (۶۰/۳/۱۶)

۷۱. امید است با تحصیل اخلاص در همه امور، چه تعلیم و تعلم و تقویت فرهنگ اسلامی و آموزش کافی فنون مختلف نظامی، و چه در راه بسیج توده های مظلوم و مستضعف جهان بر ضد استکبار جهانخوار تا قطع طمع آنان نه تنها از کشورهای اسلامی که از همه ممالک تحت ستم جهان و چه در راه تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز و با صبر و شکیبایی در این مقاصد بزرگ، این خدمت گرانقدر را رنگ الهی داده و از عبادات بزرگ قرار دهند. (۶۳/۸/۳۰)

۷۲. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه ها و شکل‌های مختلف را جدیتر بدانند. (۶۷/۴/۲۹)

۷۳. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. (۶۷/۹/۲)

۷۴. ما نه از اقدام نظامی می ترسیم و نه از محاصره اقتصادی. (۵۸/۸/۱۹)

۷۵. ... ما نمی ترسیم، ما مرد جنگیم، ما مرد مبارزه هستیم.(۵۸/۸/۱۹)

۷۶. ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می شوند، آمادۀ فداکاری در راه اسلام و کشور است.(۵۹/۶/۲۱)

۷۷. بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.(۶۷/۹/۲)

۷۸. در شرایط اسف انگیز فعلی بر هر مسلمانی لازم است که کلیۀ نیروهای خویش را برای آزاد کردن سرزمینهای اشغال شده و انتقام از اشغالگران به کار گیرند.(۴۷/۷/۱۹)

۷۹. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید.(بهمن ۴۹)

۸۰. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می کنند غفلت نورزید.(بهمن ۴۹)

۸۱. ... اگر این قدرت، قدرت صد میلیونی عرب با هم مجتمع بشوند، امریکا هم نمی تواند کاری بکند، اروپا هم نمی تواند، هیچ جا نمی تواند کاری بکند؛ لکن مجتمع نیستند.(۵۷/۸/۹)

۸۲. هان ای ملت‌های جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عربده های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست. و وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است.(۵۸/۱۱/۱۵)

۸۳. من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد.(۵۸/۱۲/۱)

۸۴. ما همه ممالک اسلامی را از خود می دانیم و خودمان را هم از ممالک اسلامی می دانیم. ما می خواهیم به امر خدای تبارک و تعالی، همه با هم مجتمع باشیم و همه «یدواحد» باشیم بر ضد مستکبرین جهان.(۶۰/۹/۱۱)

۸۵. اگر مسلمانها با هم باشند هیچ کس نمی تواند به اینها تعرض کند؛ برای اینکه یک میلیارد جمعیت [هستند] با دارایی زیاد، با مخازن زیاد. ... خوب چه شده است که ما باید همه مان تحت سلطۀ دو تا ابرقدرت باشیم؟ خوب، علت این است که ما به قرآن گوش نکردیم. ... اینها ندیدند که ایران - در صورتی که یک جای کوچکی است و جمعیتش سی و چند میلیون است، در مقابل یک میلیارد جمعیت - اینها ندیدند که ایران وقتی که با هم منسجم شدند، همه برادرها با هم مجتمع شدند و آن

اختلافاتی که می شود داشت و اختلافاتی که برای ما ایجاد کرده بودند کنار گذاشتند و یکدل و یکجهت یک امپراتوری ۲۵۰۰ ساله را با آنهمه قدرت و با آنهمه موافق [سرنگون کردند].(۶۰/۱۰/۸)

۸۶. من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.(۶۷/۴/۲۹)

۸۷. و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلهای همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بالای مردم بوده اند؛ بر بالای دار رفته اند و محرومیتها چشیده اند؛ زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمنده؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند.(۶۷/۴/۲۹)

۸۸. در جبهه ها در حالی که جنگ می کنند تکبیر می گویند، نماز می خوانند و در شبها مناجات با خدا می کنند. و اینها از نعمتهایی است که ما باید تشکر کنیم.(۶۲/۱/۱)

۸۹. افرادی که در بسیج و سایر جاها برای خدا خدمت می کنند، همه در حال عبادت هستند و بسیج یک امر بسیار مهم و خوبی است.(۶۴/۱/۲۵)

۹۰. ... شکر گزاری به این است که ما مقام این ملت را بشناسیم و این جبهه و پشت جبهه را همیشه در نظر داشته باشیم که حجت را بر ما اینها تمام کرده اند. خدا می داند که من هر وقت نظرم به این جوانهایی که عازم جبهه هستند و با شور و شغف دارند به جبهه ها می روند، وقتی من آنها را نگاه می کنم، از خودم خجالت می کشم، ما کی هستیم، ما چی هستیم؟ ما قریب هشتاد و چند سال در این دنیا - خودم را می گویم - بودم و به قدر این چند روزی که اینها مشغول خدمت هستند، ما خدمت نکردیم، ما خودمان را نساختم. از من گذشت، لکن شما توجه کنید که خود را بسازید. توجه کنید که دنیا را

به چیزی نگیرید، توجه کنید که همه رفتنی هستیم و باید به خدای تبارک و تعالی نزدیک بشویم تا آن جا ما را راه بدهند.(۶۵/۳/۱۹)

۹۱. بحمدالله تا به حال خانواده های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود.(۶۷/۷/۱۱)

۹۲. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. ... من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.(۶۷/۹/۲)

۹۳. مستمندان و فقرا و دورافتاده ها در صف مقدم جامعه هستند، و همینها و همین زاغه نشینان و همین حاشیه نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند.(۶۷/۲/۱۸)

۹۴. شما خانواده های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم به جهان فهمانید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم و چراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به همه نشان دادید که توطئه های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود.(۵۹/۱۱/۲۲)

۹۵. من نمی دانم که تسلیت بگویم به این خانواده های شهدا، تسلیت بگویم به پیغمبر اسلام و ائمه هدی^ع تسلیت بگویم به امام عصر - ارواحنا له الفداء - یا تبریک. تبریک برای اینکه یک همچو ملتی و یک همچو انسانهای ارزنده ای اسلام تربیت کرده است یک همچو جوانانی که الآن عکس بسیاریشان در منظره هست و سیمای نورانی شان در پیش چشم است اسلام تربیت کرده است، یک همچو مادران و پدران و اقربای شهدایی که در اینجا عده ای شان حاضر هستند، اسلام تربیت کرده است. من گمان ندارم که در غیر محیط اسلامی، یک همچو مسائلی تحقق داشته باشد که پیرزن جوانمرده اظهار بکند که من جوانان دیگری دارم که آن را هم تقدیم اسلام می کنم و پیرمرد جوان از دست داده اظهار کند که من حاضرم خودم هم به جبهه بروم و شهید بشوم و جوانهای زیادی که می آیند تقاضا کنند که دعا کنیم که در راه اسلام شهید بشوند؛ جوان بخواهد که دعا کنیم به شهادت برسد. شما در کجا می توانید در غیر سایه اسلام و تربیت اسلامی، چنین جوانهایی و چنین بازماندگان از جوانهای شهید، پیدا بکنید؟ اینها در عین حالی که جوانان خودشان را از دست داده اند و در جبهه ها

خاندان خودشان را از دست داده اند و آواره شده اند، مع ذلک، ایستاده اند و شجاعانه در مقابل دشمنها ایستاده اند و برای فداکاری حاضرند.(۶۰/۷/۲۶)

۹۶. شما عزیزان و بستگان شما و شهدا و بازماندگان شهدا، سند در دست دارید. وجود شما سند دو امر است: یکی سند جنایت امریکا و صدام وابسته امریکا و یکی سند بسیار گویای شجاعت شماست. شما تعهد خودتان را ثابت کردید. شما ثابت کرده اید و سند دارید به اینکه متعهد به اسلام و قرآن کریم و ملت اسلام هستید. شما رهبران این نهضت هستید و ما از قافله عقب ماندیم. من با کمال صداقت اعتراف می کنم به اینکه ما سندی بر ادعایی اگر بکنیم، نداریم و شما عزیزان بدون ادعا، بدون توقع مدح و ثنا و بدون توقع پاداش، تعهد خودتان را به اسلام و قرآن کریم ثابت کردید. شما و شهیدان این ملت و بستگان شما و بازماندگان شهدا در محضر خدا با یک سند ثبت شده وارد می شوید و ما همچو سندی را نداریم. سعادت مال شماست و مال بستگان شما و مال شهدا و مال بازماندگان شهداست.(۶۰/۱۱/۱۵)

۹۷. اسلام چیزی نیست که کسی بتواند از آن رویگردان باشد. ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا، کسانی که حتی چند شهید داده اند، فریاد می زنند که اگر باز هم داشتیم در راه خدا می دادیم و تأسف می خورند که دیگر فرزندی ندارند که در راه خدا بدهند. اجانب تبلیغ می کنند که در ایران بچه های کوچک را با زور به جبهه می فرستند، در حالی که چنین نیست. مردم می خواهند جلوی این جوانهای چهارده پانزده ساله را بگیرند که به جبهه نروند، ولی آنها از دست پدر و مادرها فرار می کنند و به جبهه می روند. مسلماً فردی را که بالغ نیست، نه کسی می گوید به جبهه برو و نه کسی چنین حقی دارد که بگوید. مردم ما بحمدالله، خودشان از رفتن به جبهه ها استقبال می کنند و جبهه ها را پر می کنند.(۶۱/۹/۳)

۹۸. اینجانب به ملت ایران برای داشتن چنین جوانان برومند و متعهد و فداکاری که نظیر آنان را در جهان سراغ ندارم و تاریخ هم نشان نداده است تبریک و تهنیت عرض می کنم؛ و به اسلام بزرگ برای داشتن این جانبازان در راه حق، که برای اسلام و میهن اسلامی خود از همه چیز خویش می گذرند، تبریک تقدیم می کنم؛ که اینان نه تنها ایران را در جهان و نسل های آینده آبرو دادند. که اسلام بزرگ، که با تعلیمات و الهامات خود چنین تحول بزرگی را به وجود آورده است، سرافراز نمودند. امروز همه از تصویر این صحنه های معنوی - انسانی عاجزند. و اینجانب که به نویسندگان و گویندگان و تحلیلگران و هنرمندان و نقاشان و همه و همه پیشنهاد می کنم تا همیشه و بخصوص در این هفته آنچه در توان دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم این سلحشوران عظمت آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند، برای آن است که به گوشه ای از وظیفه اسلامی، انسانی، ملی، میهنی، هرچند کوچک خود عمل نمایند، والا خداوند شکور است که نام این عظمت آفرینان را

در این جهان بلند و مقامشان را در ملکوت اعلیٰ^۱ به نمایش می گذارد مگر نه آن است که اینان صدای اسلام را به اقصی نقاط عالم رسانده و عظمت آن را در سطح عالم خاکی جلوه گر ساخته اند؟ قدردانی از این عمل بزرگ جز به مشیت ذات مقدس او جلّ و علا میسر نیست. چنانچه ما خاکیان ناتوان از عهده تعظیم و تقدیر مادران بزرگواری که در دامن خود این جوانان متعهد را پرورانده اند و پدران سلحشوری که در پناه خویش آنان را به جوانی رسانده اند و همسران غمخواری که در کنار آنان به سر برده اند و اکنون با روی گشاده به میدان نبرد و دفاع از حق می فرستند می باشیم؛ و این نیز در عهده آفریدگار منّان است.(۶۲/۶/۳۱)

۹۹. ما را چه رسد که با این قلمهای شکسته و بیانههای نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده اند مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم. زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای اعلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نموده اند. الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مُظلم طبیعت به سوی حق تعالی و رسول اعظمش هجرت نموده، و به درگاه مقدسش بار یافته اند، ندارد. از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدانهای جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکه الله نموده اند، چگونه سخن توان گفت؟ در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامنههای مطهر خود چنین فرزندان را برای اسلام تربیت کرده اند، چه می توان نثار کرد؟ و برای اسیرانی که در زندانهای مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت فریاد می کشند چگونه توان تعظم نمود؟ پس با اعتراف به عجز، برای شهیدان آرزوی رحمت خاص الهی و برای جانبازان، این شهیدان زنده، سلامت و برای اسرا و مفقودین عزیز و دلیر، آرزوی بازگشت به میهن و برای مادران و پدران و همسران و فرزندان، این نمونه های صبر و مقاومت، صبر و سعادت دارین، و برای رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل، پیروزی درخواست می نمایم.(۶۳/۵/۶)

۱۰۰. من از همه خانواده های شهدا، خانواده های معلولین، مفقودین، اسرا، آنهایی که رنج دیدند در این کشور، و در این جنگ رنج دیدند و بحمدالله برای خدا دیدند و خدا اجر می دهد، لکن ما هم وظیفه داریم که برای آنها دعا کنیم و به آنها هم تبریک بگوییم که یک همچو جوانهایی دارند، یک همچو دامنه های پاکی دارند که این جوانها را تربیت کردند، یک همچو قلوب قوی ای دارند که جوانهایشان را می فرستند به جنگ و به جایی که احتمال این معنا هست که خدای نخواست، یکوقتی شهید بشوند ما از آنها تشکر می کنیم. به آنها دعا می کنیم و از خدا می خواهیم که اینها را صبر عنایت کند و اجر عنایت کند.(۶۵/۱/۱)

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »

منبع:

<http://www.imam-khomeini.ir>

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش

« با آرزوی بهترین ها » « شهریور ۱۳۹۹ »